



نشرفیق برک کارل در زمینة ایجاد جبهه ملی پدر وطن در دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان



تحقق هنجارهای عام تکامل اجتماعی بدون در نظر داشت ویژه گی های به خصوص هر جامعه که زادهء وضع اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی در روند تاریخی است امریست ناممکن. از همین رو است که بدون شناخت دقیق از ترکیب و چگونگی روان، سنت و روحیه اخلاق اجتماعی جامعه نمیتوان راه بیرون رفت از دشواری های اجتماعی را به سوی اعتلا و دگرگونی های مترقی و دموکراتیک انجام داد. دانش مترقی پیشرونده میاموزاند که تغییر و رشد چنین جوامع نمیتواند به یکباره گی، با شتاب و عجله و بدون پشتیبانی و بسیج مردم و رشد سطح آگاهی شان صورت گیرد. تاریخ نشان داده است که هر نوع عمل و رویکردهای مترقی که از سطح شعور و درک مردم بلند باشد، ناکام و غیر عملی میباشد.

حزب دموکراتیک خلق افغانستان با در نظر داشت نکات فوق، از همان آغاز مبارزات عدالتخواهانه خود این اصل علمی را با دقت کامل در صدر وظایف برنامه‌ی خود قرار داده بود و با پیروزی قیام هفت ثور (انقلاب ثور) و بصورت اخص بعد از مرحله تکاملی آن تحت رهبری زنده یاد ببرک کارمل اصلاحات و تغییراتی اساسی را بر بنیادی ارزشهای عدالت خواهانه رویکردهای مبتکرانه را مطابق با روحیه جامعه عقب مانده و سنت زده افغانستان در سرلوحه وظایف درجه یک حزب و دولت جمهوری دموکراتیک خلق افغانستان قرار داد.

از آنجاییکه هویدا و میرهن است که کشورما در زمان تشکیل حزب دموکراتیک خلق افغانستان از لحاظ سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در مرحله مناسبات عقب مانده فیودالی و ملوک الطوایفی قرار داشت و در عین زمان دارای عدم تجانس قومی و انتیکی نیز بود. بر شالوده این واقعیت ح. د.خ.ا. برای تحقق اهداف مترقی و مدرن خود برای تساوی حقوق همه زحمتکشان کشور، طرح ایجاد جبهه ملی پدروطن را در نخستین مرام خویش برای بسیج و تشکیل و سهمگیری فعال همه افشار زحمت کش کشور غرض دگرگونی های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی گنجانیده بود. چنانچه در نخستین شماره جریده خلق چنین بازتاب یافته بود:

«حلقه اساسی مبارزه و پیشبرد جنبش در راه استقرار دموکراسی ملی عبارت از ایجاد جبهه متحد دموکراتیک و ملی و تقویت روزافزون آن است». بر همین اساس بود که شادروان ببرک کارمل بعد از مرحله تکاملی شش جدی ۱۳۵۸ زمانی که به حیث منشی عمومی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و رییس شورای انقلابی ج.د.ا. انتخاب شدند، در نخستین گام عملی خویش تشکیل جبهه ملی پدروطن را در صدر وظایف تمام ارگانهای حزبی و دولتی قرار داد.»

شادروان ببرک کارمل طی مقالات خویش در نشرات حزبی حقیقت انقلاب ثور تاکید مبرم و اساسی در مورد وحدت نیروهای ملی و دموکراتیک داشت

و آنرا ضرورت مبرم و حیاتی برای ایجاد وحدت عمل همه نیروهای ملی و وطنپرست در یک جبهه ملی و دموکراتیک میدانست. شادروان ببرک کارمل خطاب به اعضای ح.د.خ.ا میگفت: «ما اعضای ح.د.خ.ا با سربلندی تمام گفته میتوانیم که در جهت تشخیص ضرورت امکانات ایجاد وحدت عمل تمام نیروهای ملی و وطنپرست در طول حیات حزب خویش نه تنها دچار اشتباهات نشده ایم بلکه در این جهت عملاً گامهای مؤثر اصولی برداشته ایم. مردم کشور ما، ما را به مثابه پیکارجویان واقعی راه وحدت عمل همه انسانهای شریف و خدمتگزار مردم می شناسند. ما هیچگاهی از این راه عدول نکرده ایم و نه خواهیم کرد»

شادروان ببرک کارمل معتقد بود که حل مناسبات کهنه فیودالی و ماقبل آن بدون اشتراک همه اقشار کشور ناممکن است. هدف بنیادی حزب ما دگرگونی های ملی و دموکراتیک یعنی از بین بردن مناسبات فرتوت فیودالی و مبارزه علیه مناسبات استثمارگرانه امپریالیستی بدون سهم فعال تمام اقشار جامعه ناممکن است. شادروان ببرک کارمل تاکید داشت که در این روند منافع تمام طبقات و اقشار مختلفی جامعه به شمول کارگران، دهقانان، روشنفکران مترقی، کسبه کاران و سایر مالکین خرد و متوسط و بورژوازی ملی در تضاد نیست.

به این رو برای تحقق یافتن همبستگی ملی، بر شالوده بی اتحاد همه اقوام کشور، کنگره موسس جبهه ملی پدروطن به تاریخ ۱۵ جدی ۱۹۸۱ مطابق ۲۵ جوزای ۱۳۶۰ خورشیدی در تالار سلام خانه در ارگ کابل به شرکت بیش از یک هزارتن از نمایندگان اقشار گوناگون اجتماعی کشور از مناطق و همه ملیتهای کشور، هیأتهای رهبری سازمانهای اجتماعی و سیاسی و شخصیتهای مستقل اجتماعی و سیاسی دایر گردید.

در این کنگره، آیین نامه و ترکیب رهبری جبهه ملی به عنوان عالیترین مقام رهبری ان انتخاب گردید. در این کنگره ۹۵ تن به کمیته ملی جبهه تعیین که از جمله ۲۳ تن به حیث اعضای هیأت اجراییه به شمول رییس، معاون و

سکرتتر جبهه انتخاب گردیدند.

جبهه ملی پدر وطن یگانه طرح معقولی بود برای تقویه پایه های اساسی حکومت دموکراسی ملی افغانستان که اشتراک عموم خلقهای زحمتکش ترقیخواه، دموکراتیک و وطنپرست برای تحقق آرمانهای مردمی مساعد میساخت .

زنده یاد ببرک کارمل در شماره اول جریده پرچم زیر عنوان نگاهی به وظایف ملی ما در این مرحله تاریخی چنین تحریر نموده بودند:

«... حلقه اساسی مبارزه و پیشبرد جنبش در راه استقرار دموکراسی ملی عبارت است از ایجاد جبهه متحد دموکراتیک و ملی پایه دار و تقویت روز افزون آن در آینده نزدیک...»

البته این هدف نجیبانه شادروان ببرک کارمل بنابر موضع گیرهای خشن و ضد وحدت حزبی حفیظ الله امین در کنار سایر عمل خاینانه و نابخشودنی آن تا ششم جدی ۱۳۵۸ مورد اجرا قرار نگرفت و بعد از ایجاد جبهه ملی پدروطن بعد از ششم جدی ۱۳۵۸ سازمانهای آن در تمام شهرها و ولایات کشور ایجاد که در جهت بسیج مردم برای تحقق اهداف دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان در عرصه های اقتصادی و اجتماعی و سیاسی نقشی بزرگی ادا کرده است.

جبهه ملی پدروطن در آنزمان به مثابه سازمان تجمع کلیه سازمان های اجتماعی و سیاسی که ستون فقرات آنرا اتحاد و همبستگی کارگران، دهقانان و تمام اقشار اجتماعی تحول طلب و نیروهای ملی و مذهبی دموکراتیک و وطنپرست تشکیل میکرد، بوجود آمده بود. با در نظر داشت این امر که این جبهه ارگان و یا نهاد با اهمیت و مهمی در نظام جمهوری دموکراتیک افغانستان شمرده میشد؛ ولی تحقق اهداف آن طوری که خواست رهبری و بصورت مشخص شادروان ببرک کارمل بود؛ نسبت مداخله های دشمنان و کشورهای همسایه با سردمداری کشورهای امپریالیستی که علیه دولت

جمهوری دموکراتیک خلق افغانستان مسلحانه می‌جنگیدند و برضد اهداف ان قرار می‌گرفتند، برآورده نه شد. شرایط ناهنجار و ادامه جنگ در کشور، تسلح، تمویل و تشویق روز افزون نیروهای مخالف مسلح از خاک پاکستان و ایران و تشدید حملات آنها در داخل افغانستان به بهانه حضور نیروهای نظامی اتحادشوروی به مرام و اهداف اصلی خویش نایل نه شد.

با در نظر داشت اینهمه جفاها و سنگ اندازی های که در راه تأمین صلح و اعتلای وطن از جانب دشمنان داخلی و خارجی صورت گرفت، نخبه گان علمی و سیاسی از جمله روانشاد اکادمیسین پروفیسوردکتور عبدالاحمد جاوید دانشمند فرهیخته و شخصیت شناخته شده کشور در مورد دوران زعامت شادروان ببرک کارمل چنین ارشاد فرموده است:

«دوران زعامت ببرک کارمل یگانه دورانی بوده که در آن مسأله زبانها و ملیت ها بگونهٔ بهتری حل گردیده و تعصب و تنگ نظری ها درزمینه، از میان برداشته شده بود. چنانچه که ساختارهای قدرت و ادارهٔ دولتی و سیاستهای کادری آن دوره این گفته را بوضاحت آشکار می سازد. ببرک کارمل، یار و مددگار کارگر و دهقان، پیشه ور و اهل کسبه، مامور و آموزگار و در یک کلام همه زحمتکشان افغانستان در امر بزرگ خدمت به مردم و میهن مألوفش بود. آرمان و هدف والایش، تأمین عدالت اجتماعی و رفع تبعیض و نابرابری در جامعه بود. ایشان در دوران زعامت خویش، در جهت بهبود شرایط کار و زندگی کارگران و سایر زحمتکشان و تهی دستان جامعه، همواره توجه جدی می نمودند»

امروز ما شاهد هستیم که گروه های دهشت افگنی که دیروز زیرنام “جهاد، اسلام و آزادی” بر ضد مردم و اهداف پاک دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان سلاح گرفته بودند، خود مایه دستاویز بازی های سیاسیون منطوقی و جهانی شده اند و زمینه هجوم و لشکر کشی ۴۸ کشور جهان را در افغانستان برای تحقق اهداف جهانگشایی استنمارگرانه آنها مساعد ساخته

اند و همدست فعالیت های دهشت افگنانه تروریستی نیروهای تازه نفس بنیادگرای اسلامی از جمله القاعده، طالب و داعش شده اند.

در طول هجده سال است که این گروه‌ها با رویکردهای مختلفی تروریستی و خرابکارانه در افغانستان عمل و باعث کشتار هزارها تن از مردم بی‌گناه و میلیونها مهاجر و بی سرپناه و بی خانمان در خارج و داخل شده اند. این غایله هنوز هم با روشهای نوآورانه توطئه آمیز ادامه دارد. شیرازه اتحاد و همبستگی وحدت ملی کم رنگ شده و اختلافهای قومی و گروهی و مذهبی هر روز چاق تر و بیشتر میگردد. فقر و بیچاره گی و اختلافهای طبقاتی میان نادار و پولدار جامعه زیادتز شده میرود؛ غریب غریبتر و پول دار پولدارتر میشود.

راه بیرون رفت از این وضع فلاکتبار تنها با تأمین وحدت ملی در چوکات اصول و ایجاد جبهه متحد ملی و دموکراتیک ممکن است و بس. به امید تحقق این اصل!

منابع:

اسناد کنگره مؤسس جبهه ملی پدر وطن ۲۵ جوزای ۱۳۶۰

۷ ککسیون از هفت سال نشرات روزنامه حقیقت انقلاب ثور ۱۳۶۴-۱۳۵۸
خورشیدی

جریده پرچم شماره اول ویرایش جدید ۱ Parcham Jarida

علی محمد رستی فرزند میرزا عبدالجسین رستی در شهر مزارشرف ولایت بلخ برج حوت سال 1334 خورشیدی مصادف به سال 1955 ترسای چشم به دنیا گشوده است. سکونت اصلی چنداوول وبعدن در دارالامان و مکرويون سوم شهر کابل زندگی نموده اند.

درسال 1354 خورشیدی از صنف دوازدهم لیسه عالی حبیبه فارغ شده و ازسال 1355 الی شش جدی 1358 بصفت کارمند در مربوطات وزارت تجارت و از اخیر جدی سال 1358 به حیث مسوول مالی و اسنادارتباط و معاون کمیته حزبی ولایت غزنی الی اخیر سال 1363 خورشیدی و از حمل سال 1364 به حیث مسوول تبلیغ ترویج و بعدن معاون کمیته حزبی ناحیه نهم شهرکابل الی قوس سال 1365 ایفای وظیفه نموده است.



از قوس سال 1365 نظر به دستور کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و احکام وزیر دفاع و ریس سیاسی اردوی جمهوری دموکراتیک افغانستان با تعدیل رتبه نظامی (چبرن و قهرن) لری پریدمن به حیث معاون سیاسی کدنگ 621 لوی پنج سرحدی هرات تعین و الی تاریخ 6.6.1366 خورشیدی ایفای وظیفه نموده است. و بعدن نظر به امر وزیر دفاع از بست افسری منفک و به حیث سرباز در قطعه امنیتی ریاست تحقق وزارت امنیت دولتی معرفی و الی اخیر سال 67 ادامه داده و بعدن نظر به امر وزیر امنیت دولتی از بست ریاست تحقق منفک بعد از معرفی به کدنگ تجمع شهر کابل (نفرکشی) در فرقه بیست یک شهر فراه به حیث سرباز الی اخذ ترخیص از شیندند هرات ایفای وظیفه نموده اند. بعد از ترخیص به حیث مسوول تشکیلات کمیته حزبی ناحیه هشتم شهرکابل الی نیمه سال 1368 و متعاقب از سال 1369 خورشیدی در شرکت ترانزیتی وپارچالانی افسووتر نمبر یک در بخشهای مختلف الی اخیر 1369 مسوولیت داشتند. بعد نسبت وضع نا به سامان کشور از وطن به روسیه مهاجرت، بعد از مدت دو سال در اگست سال 1993 ترسای به کشور المان مهاجرت نمودند. رفیق رستی همراه بانو بصیره جان رستی ازدواج و دارای دو فرزند هریک ریاض جان رستی والیاس رستی میباشد که تحصیلات عالی خود را در رشته کمپوتر به پایان رسانیده اند و در شهرفرانکفورت المان به زندگی و کار ادامه میدهند.